



است که نمی‌توان جنبه‌های دیگر آن را نادیده گرفت. باید در این فیلم، تا جایی که در قالب یک مستند نیمه‌بلند یا بلند امکان دارد، به ابعاد دیگر این اتفاق نیز توجه کنیم. این وضعیت فعلی ماست. من الان از عراق صحبت می‌کنم؛ در عراق هستیم، هنوز در نجف حضور داریم و حالا که مراسم تمام شده، دوست دارم تا جایی که امکان دارد، در نجف هم ادامه این روایت را دنبال کنیم. این کارگردان سرشناس سینما بیان کرد: به نظر من از اسم فرعی انتخاب‌شده برای فیلم هم این تفاوت مشخص است. در «حال خونین دلان»، موضوع تشییع امام خمینی مورد توجه قرار گرفت. آن زمان، با وجود اینکه امام شخصیت شناخته‌شده‌ای در جهان بود، اما شناخت نزدیک و عمیقی که امروز بسیاری از مردم دنیا نسبت به آقای خامنه‌ای به‌عنوان یک انقلابی بزرگ و یک مبارز عدالت‌خواه دارند، وجود نداشت.

در تشییع امام، بسیاری از مردم جهان غافلگیر شدند. با وجود اینکه امام شخصیت شناخته‌شده‌ای بود، اما آن شرایط و آن حجم از حضور مردم، برای بسیاری قابل پیش‌بینی نبود.

من خودم در مراسم حضور داشتم و آن صحنه‌ها را دیدم. نمای هوایی همان منطقه مصلی که آن زمان هنوز ساخته شده بود و تپه‌های خالی بود، نشان می‌داد که میلیون‌ها نفر در بیابان‌ها و دشت‌های اطراف پیکر امام خمینی که در یخچال روی یکی از تپه‌ها قرار داشت، حضور داشتند. بعد هم در جریان تشییع تا بهشت زهرا، نماهای هوایی و تصاویر بسیاری از این حضور ثبت شد و فیلم‌های مستقلی نیز درباره آن ساخته شد.

اما تفاوت آن ماجرا با این اتفاق در این است که آن پهلوان، یعنی امام خمینی، در دنیا به‌عنوان یک شخصیت شناخته‌شده مطرح بود، اما راه او و توانایی‌اش در تغییر دادن جهان هنوز آن‌طور که باید به رسمیت شناخته نشده بود. کنجکاوی‌هایی درباره امام، به‌خصوص در کشورهای غیرمسلمان، وجود داشت؛ اما امروز شرایط متفاوت است.

به نظر من این بار، آقای خامنه‌ای حقیقتاً «پهلوان جهان» شده است؛ یعنی غیر از اینکه پهلوان ماست، به یک چهره جهانی تبدیل شده است. بسیاری از عدالت‌خواهان در سراسر دنیا اکنون به‌طور جدی به این فکر می‌کنند که آیا یک تغییر عالمگیر در حال اتفاق افتادن است یا نه.

میثم کریمی، تهیه‌کننده:

روایت جهان از یک بدرقه

میثم کریمی، تهیه‌کننده مستند «حال خونین دلان؛ پهلوان جهان» تلاش کرده است روایتی فراتر از ثبت یک مراسم ارائه دهد؛ روایتی از یک بدرقه تاریخی، نگاه هم‌انسانی از کشورهای مختلف جهان و تجربه‌ای که از دل یک اتفاق بزرگ شکل گرفته است. در ادامه گزارش‌مان برای شنیدن جزئیات این مسیر، از ایده اولیه ساخت فیلم تا انتخاب شخصیت‌ها و شیوه روایت این مستند، با میثم کریمی درباره پشت‌صحنه شکل‌گیری این روایت سینمایی گفت‌وگو کردیم.

میثم کریمی گفت: قبل از اینکه درباره مستند صحبت کنیم، باید بگویم بعد از اتفاقات جنگ، زمانی که بحث تشییع حضرت آقا مطرح شد، مستندهایی را که درباره مراسم تشییع حضرت امام خمینی (ره) ساخته

شده بود، تماشا کردم. در همین جست‌وجو به مستند «حال خونین دلان» به کارگردانی بهروز افخمی رسیدم که موضوع آن، سفر ایرانی‌هایی از دورترین نقاط کشور برای حضور در مراسم تشییع حضرت امام بود. وقتی این مستند را دیدم، این ایده به ذهنم رسید که تشییع حضرت آقا نیز، با توجه به شرایطی که پس از جنگ رقم خورده بود، می‌تواند روایت متفاوتی داشته باشد. بعد از جنگ و اتفاقاتی که در جهان رخ داده بود، مردم در نقاط مختلف دنیا دیدن ملتی وجود دارد که در برابر ظلم ایستاده است؛ ملتی که در برابر استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی مقاومت کرده است. طبیعتاً برای بسیاری از مردم جهان این سؤال ایجاد شده بود که این مردم چه کسانی هستند که با وجود تمام فشارها و بمباران‌ها، همچنان پای باورهایشان ایستاده‌اند؟

وی افزود: ما می‌دانستیم که افراد زیادی از کشورهای مختلف در این مراسم شرکت خواهند کرد. از طرف دیگر، همه ما می‌دانیم که رسانه‌های مختلفی در دنیا وجود دارند که اتفاقات ایران را به شکل دیگری روایت می‌کنند؛ از برخی رسانه‌های آمریکایی گرفته تا رسانه‌های معاند. بنابراین، خبرنگاران و افرادی که از خارج از کشور برای پوشش این مراسم آمده بودند، احتمالاً با ذهنیتی از پیش شکل گرفته وارد ایران شده بودند و تصور دقیقی از میزان علاقه مردم ایران به رهبرشان نداشتند.

کریمی اظهار کرد: در ابتدا، وقتی به مستند «حال خونین دلان» درباره تشییع حضرت امام راحل رسیدم، این ایده در ذهنم شکل گرفت که اتفاقی که امروز در حال رخ دادن است، می‌تواند ادامه همان مسیر باشد. البته در ابتدا، درباره نام فیلم نیز بحث‌هایی داشتیم. خود بهروز افخمی پیشنهاد داد که نام مستند «پهلوان جهان» باشد. این اسم، به دلیل ارتباطی که با فیلم «جهان پهلوان» داشت، برای ما جذاب بود. اما من اصرار داشتم که ارتباط میان این دو مقطع تاریخی حفظ شود. معتقد بودم مسیری که از سال ۱۳۵۷ با امام خمینی آغاز شد، توسط رهبر شهید انقلاب ادامه پیدا کرد و این دو شخصیت در یک خط و مسیر تاریخی قرار دارند. به همین دلیل، در نهایت به این نتیجه رسیدیم که عنوان «حال خونین دلان؛ پهلوان جهان» را برای این مستند انتخاب کنیم.

وی افزود: من و هم‌سازانم در مراسم تشییع حضرت امام راحل حضور نداشتیم، اما در گفت‌وگوهایی که در جریان ساخت برنامه‌های مرتبط با جنگ و اتفاقات اخیر با مسئولان مختلف داشتیم، تقریباً همه یک نکته مشترک را مطرح می‌کردند؛ اینکه تشییع حضرت آقا با هیچ مراسم و رویداد دیگری قابل مقایسه نیست. اما وقتی درباره این دو اتفاق صحبت می‌کنیم، یک ویژگی مشترک وجود دارد و آن، محبت مردم است. یعنی همان محبتی که مردم نسبت به امام خمینی داشتند، نسبت به حضرت آقا نیز دارند. همان‌طور که سربازان امام، ایشان را دوست داشتند، سربازان حضرت آقا نیز نسبت به ایشان علاقه و ارادت داشتند.

یکی دیگر از ویژگی‌های مشترک، ایستادگی در برابر ظلم بود؛ اینکه یک رهبر در مقابل قدرتهایی که خود را صاحب اختیار جهان می‌دانند، بایستد و از باورهای خود عقب‌نشینی نکند.

همین ویژگی را در هر دو مقطع تاریخی می‌بینیم و همین موضوع باعث شد احساس کنیم این

مستند می‌تواند ادامه‌ای بر آن روایت تاریخی باشد. کریمی بیان کرد: در این فیلم، یک راوی مشخص یا یک شخصیت واحد که تمام داستان را دنبال کند، نداریم. روایت اصلی مستند توسط بهروز افخمی شکل می‌گیرد و خط داستانی فیلم بر پایه حضور گروه‌های مختلفی است که از کشورهای مختلف دنیا برای شرکت در مراسم تشییع به ایران آمده‌اند.

حدود ۱۰۰ کشور جهان در این مراسم حضور داشتند و ماتلاش کردیم بخشی از نمایندگان این کشورها را در فیلم داشته باشیم. برای مثال، سراغ افرادی از ایتالیا، فرانسه و یونان گرفته تا عراق و دیگر کشورهای منطقه رفتیم. بخشی از مستند به چهره‌ها و روایت شخصی این افراد اختصاص دارد؛ اینکه چگونه خود را به ایران رساندند، چه شناختی از حضرت آقا داشتند و با چه ذهنیتی در این مراسم شرکت کردند. اما بخش اصلی فیلم، به خود مراسم تشییع و اتفاقاتی که در آن روز رخ داد، اختصاص دارد.

ما برای ساخت این مستند، تنها یک گروه فیلم‌برداری داشتیم، اما با سه دوربین کار می‌کردیم. بهروز افخمی نیز تأکید داشتند که خودشان نظارت دقیقی بر روند تصویربرداری داشته باشند.

وی اذعان داشت: از ابتدا می‌دانستیم که قرار نیست صرفاً یک پوشش خبری و گسترده از مراسم ارائه دهیم. هدف ما این نبود که تمام اتفاقات را ثبت کنیم، بلکه به دنبال یک خط داستانی مشخص بودیم؛ اینکه ابعاد مختلف حضور خارجی‌ها در این مراسم را روایت کنیم و از دل این حضور، داستانی شکل دهیم.

تصویربرداری ما از روز عاشورا آغاز شد و تا پس از مراسم تشییع ادامه پیدا کرد. البته بخشی از ارتباطات و پژوهش‌های ما از قبل آغاز شده بود، زیرا نیاز داشتیم افرادی را پیدا کنیم که بتوانند بخشی از روایت فیلم باشند. ما از طریق رایزین‌های فرهنگی ایران در کشورهای مختلف ارتباط برقرار کردیم. همان‌طور که می‌دانید، این مستند به سفارش سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ساخته می‌شود و این سازمان ارتباط گسترده‌ای با رایزین‌های فرهنگی در کشورهای مختلف دارد.

از آنها خواستیم افرادی را معرفی کنند که برای حضور در مراسم تشییع به ایران می‌آیند؛ کسانی که ارتباطی با ایران دارند یا به واسطه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی خود، شناختی از کشور ما پیدا کرده‌اند.

این ارتباط باعث شد بتوانیم برخی از این افراد را از همان مبدأ سفر دنبال کنیم. یعنی اگر فردی از یک کشور دیگر قرار بود به ایران بیاید، روایت ما نیز از همان جایی آغاز می‌شد که او حرکت خود را شروع می‌کرد. کریمی ادامه داد: در طول ساخت مستند، با افرادی روبه‌رو بودیم که شناخت مشخصی از ایران و حضرت آقا داشتند و با نگاهی صادقانه وارد این مسیر شدند. آنها آمده بودند تا چیزی را ببینند و تجربه کنند، نه اینکه از پیش تصمیم گرفته باشند روایت خاصی را تحمیل کنند. حتی بسیاری از آنها، به دلیل شناختی که از مسائل منطقه، جبهه مقاومت و اتفاقات اخیر داشتند، با ذهنیتی مشخص وارد این ماجرا شده بودند.

ما یک فرد آمریکایی در مستند داریم که حدود ۳۰ سال پیش، به‌عنوان تفنگدار ارتش آمریکا برای انجام مأموریتی به فلسطین رفته بود و در آنجا با صحنه‌هایی از ظلم و جنایت مواجه شده بود. او می‌گفت همان زمان با شخصیت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آشنا شده و معتقد بود در شرایطی که بسیاری از مردم و دولت‌ها در برابر این جنایت‌ها سکوت کرده بودند، یک نفر در جهان ایستاده و درباره این مسائل سخن گفته است. همین موضوع باعث شد درباره شخصیت حضرت آقا تحقیق کند و شناخت بیشتری به دست آورد. او پس از جنگ نیز به ایران آمده بود و قصد داشت به مناطق مانند میناب سفر کند و درباره موضوعات مختلف مستند بسازد. همچنین یک گروه چینی که برای ساخت مستند به ایران آمده

بودند، برایشان جالب بود که مردم ایران تا این اندازه پای کشورشان ایستاده‌اند.

این ویژگی‌ها، یعنی مواجهه یک فرد خارجی با واقعیتی که شاید پیش از آن تصویر دیگری از آن در ذهن داشته، برای ما اهمیت داشت.

تهیه‌کننده مستند «حال خونین دلان؛ پهلوان جهان» افزود: فکر می‌کنم کسی که ۵۰ سال بعد این مستند را ببیند، متوجه خواهد شد که در ایران شخصیتی وجود داشته که شاید جهان آن‌طور که باید و شاید، او را نشناخته بود. شاید در آن زمان، بسیاری بیشتر درک کنند که با چه شخصیتی مواجه بوده‌اند؛ شخصیتی که در برابر ظلم و ستم ایستاد و اجازه نداد فشارها و تهدیدها مسیر حرکت مردم ایران را تغییر دهد.

وی ادامه داد: به نظر من مستند می‌تواند نشان دهد که یک «پهلوان» فقط متعلق به یک کشور نیست. شاید در زمان خود، بسیاری او را صرفاً در چارچوب یک جغرافیا می‌دیدند، اما اتفاقاتی که رخ داد و نوع واکنش مردم جهان به آن، نشان داد که این شخصیت فراتر از مرزهای یک کشور قابل بررسی است.

برای همین دوست دارم وقتی مخاطب آینده این فیلم را می‌بیند، فقط یک مراسم تشییع را مشاهده نکند، بلکه یک برهه تاریخی را ببیند؛ روزی که مردم ایران با حضورشان، تصویری واقعی از رابطه خود با رهبرشان ثبت کردند.

کریمی اظهار کرد: از ابتدا به دنبال این بودیم که قصه داشته باشیم؛ قصه کسانی که از نقاط مختلف دنیا تصمیم گرفتند به ایران بیایند، مسیرشان را طی کنند و در این اتفاق تاریخی حضور داشته باشند. این مسیر برای ما مهم بود؛ اینکه یک انسان در نقطه‌ای از دنیا چه انگیزه‌ای پیدا می‌کند که هزاران کیلومتر سفر کند و خود را به این مراسم برساند.

در کنار آن، خود مراسم و حضور مردم ایران نیز بخش مهمی از روایت است. یعنی فیلم میان این دو حرکت می‌کند؛ از یک سو نگاه کسانی که از بیرون می‌آیند و از سوی دیگر، واقعیتی که در داخل کشور اتفاق افتاده است.

وی گفت: وقتی با چنین اتفاق بزرگی مواجه می‌شوید، خود تصاویر آن قدر قدرتمند هستند که ممکن است تصور کنید فقط با کنار هم قرار دادن آنها می‌توان فیلم ساخت. اما مستند نیاز به انتخاب دارد. باید بدانید چه چیزی را می‌خواهید بگویید و از چه زاویه‌ای می‌خواهید وارد شوید.

ما تلاش کردیم از میان حجم زیادی از تصاویر، آن لحظه‌هایی را انتخاب کنیم که بتوانند احساس و معنای این اتفاق را منتقل کنند. گاهی یک نگاه، یک گریه، واکنش یک فرد خارجی یا یک لحظه از حضور مردم، بیشتر از یک نمای گسترده می‌تواند مفهوم یک اتفاق تاریخی را منتقل کند. بهروز افخمی هم از ابتدا بر این نکته تأکید داشت که فیلم باید یک روایت مشخص داشته باشد. نگاه وی این نبود که فقط تصاویر را جمع‌آوری کنیم و یک مجموعه آرشیوی بسازیم و تأکید داشت که باید قصه پیدا کنیم. باید مسیر داشته باشیم و مخاطب را همراه کنیم.

به همین دلیل، ما یک شخصیت واحد به‌عنوان راوی نداریم، اما خود آقای افخمی هدایت‌های روایی فیلم را برعهده دارند و نگاه ایشان کمک کرد تا این اتفاق بزرگ، به یک روایت منسجم تبدیل شود.

کریمی در پایان بیان کرد: از آنجایی که نگاه ما از ابتدا سینمایی بوده، این فیلم برای تلویزیون ساخته نمی‌شود. البته جشنواره سینماحقیقت نیز یکی از گزینه‌هایی است که به آن فکر می‌کنیم و امیدواریم اگر شرایط فراهم شود، فیلم را به آن جشنواره برسانیم.

در هر حال، تلاش ما این است که فیلم را تا پایان تابستان آماده کنیم. حتی قرار است یکی از آهنگسازان شناخته‌شده برای این مستند موسیقی بسازد؛ کسی که آثارش برای مردم شناسنت و احتمالاً بسیاری او را می‌شناسند.

روایتی که هنوز ادامه دارد

همراهی با گروه سازنده «حال خونین دلان؛ پهلوان جهان» نشان داد که این مستند، فقط در مصلی تهران ساخته نمی‌شود. بخشی از روایت هم‌زمان در نجف دنبال می‌شد؛ جایی که بهروز افخمی همچنان مسیر فیلم را از نزدیک هدایت می‌کرد و درباره تغییرات روایت با گروه در ارتباط بود. در همان زمان، گروه‌های دیگری نیز در قم و مشهد، قاب‌هایی را ثبت می‌کردند که قرار است در کنار تصاویر تهران و نجف، پازل این روایت را کامل کنند. هر گروه، بخشی از یک داستان واحد را دنبال می‌کند؛ داستانی که از یک بدرقه آغاز شد، اما مرزهای جغرافیا را پشت سر گذاشت.

وقتی این همراهی به پایان رسید، بیش از هر چیز این واقعیت خودنمایی می‌کرد که ساخت یک مستند درباره یک رویداد تاریخی، تنها ثبت تصاویر یک روز نیست؛ کنار هم نشان دادن روایت‌هایی است که در چند شهر و چند جغرافیا، هم‌زمان در حال شکل گرفتن‌اند. شاید نتیجه نهایی را مخاطبان پس از پایان تدوین روی پرده ببینند، اما آنچه در این روزها از نزدیک دیده شد، تلاش گروهی بود که کوشیدند پیش از آنکه لحظه‌ها به خاطر تبدیل شوند، آنها را برای تاریخ حفظ کنند.

